



عرض کنم برای پیوند پیشنهادی ندارم، اما برای قطع پیوند پیشنهاد دارم. ذهنتان به جاهای بد نرود، بنده رقیق القلب تر از آن هستم که برای سلاخی و قصابی پیشنهاد بدهم؛ نه، مقصودم این نیست. می‌توانید تیغ را بردارید، آرام بگذارید، چشمتان را ببندید و فقط با یک ضربه کوتاه رشته موین، بله موین، میان کتابخانه عمومی و فرهنگ را قطع کنید. به شما قول می‌دهم یک قطره خون نریزد و حتی آخ هم نشنود.

پیوند میان کتابخانه و فرهنگ به طور اعم و کتابخانه عمومی و توسعه فرهنگی به طور اخص، آن هم در کشوری که کهنسال، فرهنگ و تمدنی مانند ایران و با آن مسائلی که بعضاً عرض

● نبض فرهنگ کشور باید در کتابخانه‌ها بزند.

● ملت شریف ما و فرهنگ و تمدن دیرینه و کهنسال و انسانی و پر بار ما سزاوار عقب ماندگی و رخوت و انزوا نیست.

کردم، به اولین چیزی که احتیاج دارد اندیشه و طرحی روشن، دقیق و عمیق است. قصد پیش داوری اصلاً ندارم و واقعاً و قلباً دلم می‌خواهد دست کم در این قضیه حمل بر صحت بکنم. تردیدی نیست جایی که این مجله را راه انداخته و صد جور حرف موافق و مخالف را تحمل و حتی منتشر می‌کند نمی‌تواند حسن نیت نداشته باشد. به این کار باید احترام گذاشت و قدر آن را دانست. و مطمئناً ما هم قدر می‌دانیم که می‌آییم و حرف می‌زنیم و حرف دلمان را صاف و پوست کنده بیان می‌کنیم و یقیناً با اعتقاد و علاقه. بنابراین اگر از قطع هم صحبت می‌کنیم به قصد وصل است نه فصل، قربت است نه غربت.

به گمان بنده تحول فرهنگی ما از کتابخوانی آغاز می‌شود و تکرار می‌کنم کتاب در معنای وسیع و امروزی کلمه و کتابخانه‌ها و بویژه کتابخانه‌های عمومی جایگاه‌های اصلی این تحول‌اند. کتابخوانی و رواج فرهنگ کتابخوانی یک اقدام و یک اقدام ساده نیست. مجموعه وسیعی از تدابیر باید تدارک دید تا این فرهنگ به وجود بیاید، گسترش بیابد و ترویج و تحکیم شود. و اگر قرار باشد واقعاً کتابخوانی میان مردم ترویج شود، کتابخانه‌ها و به ویژه کتابخانه‌های عمومی دستخوش تحول می‌شود. خواننده واقعی و کتابخانه حقیقی وسیع‌ترین و عمیق‌ترین تأثیرها را برهم می‌گذارند و تحول فرهنگ، یا به عبارت درست تربخش عمده‌ای از تحول فرهنگ از این تأثیرها آغاز می‌شود و اگر کتابخانه به معنای درست کلمه زنده و فعال باشد، همه تأثیرهای تحول فرهنگی را می‌گیرد و باز می‌تابد. عکسش هم صادق است. برای نمونه به کتابخانه‌های عمومی بی‌خبر، بی‌اثر، و منفعل نگاه کنید. انعکاس کدام فعالیت و حرکت فرهنگی را در آنها

می‌بینید؟ بعضی از اینها به دخمه‌ها و سردابه‌هایی شباهت دارد که تابوت و اسکلت در آنها گذاشته باشند. نبض فرهنگ کشور باید در کتابخانه‌ها بزند. در کتابخانه‌هاست که باید این نبض را در دست گرفت و احوال را براساس آن تشخیص داد. برای آنکه به فرهنگ زنده برسیم، خیال می‌کنم راهی نیست جز آنکه مسأله کتاب (باز هم در معنای وسیع کلمه) به نهضتی عمومی و گسترده تبدیل شود. کتابخانه‌های عمومی می‌توانند چشمه‌های جوشنده این نهضت باشند. برای اینکه این پیوند عمیق و ذاتی درست برقرار باشد، بالاخص کتابخانه‌های عمومی باید از این رخوت‌زدگی مرگ‌سا خود را رها کنند. هدفهای روشن و دقیق و قابل دفاعی در نظر بگیرند، سیاستها، مشی‌ها و استراتژیهایشان را منظم و مدون کنند، برنامه بریزند، عمل کنند و در جریان عمل نیز خود را اصلاح کنند. کسانی که مسئول اداره کتابخانه‌های عمومی کشور هستند، اولین و نزدیکترین و مستقیمترین مراجعی هستند که باید آغاز این حرکت باشند. ملت شریف ما و فرهنگ و تمدن دیرینه و کهنسال و انسانی و پر بار ما سزاوار عقب ماندگی و رخوت و انزوا نیست. دوستان و همکاران کتابدار ما هراس به خود راه ندهند و به انتظار دیگران ننشینند. حرکت درستی که آنها آغاز کنند، سخن منطقی که بگویند، گامی که در راه ساختن بردارند، پیوندهای میان کتابخانه‌ها و فرهنگ را برقرار می‌کند. ما به پیوندهای فرهنگی زنده ایم و چه خوب است که دست کتابداران خدمتگزار و بخشنده و مهربان این پیوندها را برقرار کند.

دکتر اسد... آزاد

عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی (مشهد)

— به نظر شما کتابخانه عمومی چه رسالتی برعهده دارد؟

— پیش از بیان نقش راستین کتابخانه عمومی، ذکر مقدمه‌ای ضروری است. به احتمال بسیار این واقعیتی است که تمامی پیکره دانش انسانی از تجربه فردی مستقیم سرچشمه می‌گیرد. هیچ کس را توان آن نیست تا در دوران کوتاه زندگی به فردی به تمامی فرهیخته و علامه بدل شود، چه ذهن و میزان هوشمندی انسان را محدودیت‌هایی است. اما، انسان می‌تواند حاصل تجربه‌ها و دستاوردهای خود را چنان گرد آورد و انباشته سازد که هر نسلی پس از پایان تلاشهای نسل پیش، کار را از آن نقطه بی‌اغازد. این سخن بدان معناست که انسان برای رسیدن به تمدن باید هم نگاهدارنده و هم پیشبرنده و پیشرونده باشد؛ باید فرهنگی را که به ارث می‌برد نگاه دارد و در عین حال در پرتو تجربه‌ها و دستاوردهای خویش به گسترش و بهسازی آن پردازد. این اصل در باب محتوای مادی و معنوی فرهنگ صادق است. ما همان گونه که وارث دانش و افکار پیشینیان خود هستیم، به همان

نسبت میراث‌دار ابزارها و وسایل ابداعی آنان نیز به شمار می‌رود. پس، در فرایند تمدن علاوه بر کشف، نگاهداری و انتقال و بارورتر کردن دانش را هم باید در نظر گرفت.

انسان از آثار نوشتاری، بطور اعم کتابها، جهت فرایندهای نگاهداری و انتقال اطلاعات استفاده گسترده‌ای به عمل می‌آورد. افزون بر این، در سطوح فراتر پیشرفت، همواره مجموعه آثار را به صورت یک «آب‌کتاب»، بگوئیم کتابخانه، سامان می‌دهد. درحقیقت، در فرجامین گامها، یعنی در جامعه امروزی ما، بهره‌جویی از کتابخانه‌ها به منزله یک راه و رسم - و نه سود جستن از یکایک کتابها - ویژگی فرایند اندیشگی انسان می‌شود. در کتابخانه‌ها به حفظ تمامی پیکره دانشی می‌پردازیم که پیشینیان کشف کرده‌اند. بعلاوه، پیشینه‌هایی از کشفهای تازه خود را نیز در کتابخانه‌ها به امانت می‌نهیم. بدین سان، کتاب و کتابخانه ابزارهای نگاهداری دانش و وسایل عمده اشاعه و انتقال آن به شمار می‌رود.

گنجینه دانش به تمام و کمال در تملک جامعه و به دو شکل «جنبشی» و «بالقوه» است. شکل نخست در اذهان انسانهای زنده در جولان و صورت دیگر در کتابها و دیگر رسانه‌ها انباشته و نهفته است. از این رو، در هر تمدن بهنجار باید دو نوع فرایند اطلاعی، فعال و درکار باشد. سطح اطلاعات همگانی و رایج همیشه باید حفظ شود و هرگاه وضع خاصی پیش آید و به اطلاعاتی ویژه نیاز افتد، باید آن را به میزان نیاز از این گنجینه برداشت. فرایند نخست کلی و مستمر است، فرایند دوم جزئی و متناوب. ضروری است نسل حاضر مقدار دانش لازم و بسنده را جهت مشارکت در فرایندهای فرهنگی دریافت دارد، اطلاعات بالقوه را به اطلاعات جنبشی بدل سازد و از دانشهای تخصصی موجود سرمایه‌ای فراهم آورد. این مهم از نقشهای بارز هر کتابخانه‌ای است.

گذر از حکومت خودکامه به دولت بهبودبخش (ناظر به رفاه همگان)، پیشگام پاره‌ای از اندیشه‌های مترقی و تعهدات اجتماعی شده که در این میان بر پای و رونق کتابخانه و نهاد آموزش و پرورش دریافت اجتماع، برتر از همه آنها بوده است. اکنون جامعه از افراد خود انتظار دارد برای زندگی در آن فردی دوستدار حقیقت، مطلع، بردبار، محترم، پشتیبان آزادی، زیبایی‌شناس و خواستار برجا گذاردن جهانی بهتر برای زندگی دیگران باشد. هنگامی که این انتظارات بزرگ جامعه از افراد را در نظر گیریم، امکان بالقوه کتابخانه به عنوان سازمانی اجتماعی را که می‌تواند چنین نیکنانی را به بار آورد، درمی‌یابیم.

کتابخانه و بویژه کتابخانه عمومی به عنوان یکی از تشکیلات نهاد، آموزش، بخش جدایی‌ناپذیر سازمان اجتماعی است و پا گرفتن و توسعه آن زاییده نیازمندیهای زندگی و در پاسخ به نیازهای اجتماعی است. نقش اصلی آن فراهم‌آوری و توسعه ابزارهایی

است که به سه کارکرد عمده سرگرمی، آموزش و اطلاع‌رسانی و بطور کلی به دستیابی آسان دانش می‌انجامد. دنیای امروز توسط آرمانهای مردم‌گرایانه، که نیاز و رفاه افراد آن مسؤولیتهای گریزناپذیری را بر جامعه و اجزای سازنده آن تحمیل می‌کند هدایت می‌شود. به احتمال زیاد کتابخانه تنها نهادی است اجتماعی که زمینه مشارکت افراد را فراهم می‌سازد. افزون بر این، آرمانهای برتر اجتماع نوین از بن و بنیاد بر پایه میثاقهای مردم‌گرایانه‌ای استوار است که در آزادی اندیشه، و اسپاری دانش و آموزش مستمر ریشه دارد. رسالت کتابخانه حفظ حرمت چنین اندیشه‌هایی و غنا بخشیدن به زندگی افراد جامعه از طریق فراهم کردن امکان دسترسی به دانش مضبوط است. باسودان، نوسودان، دانش‌آموختگان و افراد دارای تحصیلات عالی، یا در

● در کتابخانه‌ها به حفظ تمامی پیکره دانشی می‌پردازیم که پیشینیان کشف کرده‌اند.

● کتابخانه عمومی به عنوان یکی از تشکیلات نهاد آموزش، بخش جدایی‌ناپذیر سازمان اجتماعی است.

واقع تمامی کسانی که توان خواندن دارند، به عرضه پیوسته مواد خواندنی مناسب با هدفهایشان نیازمندند. کتابخانه عمومی تنها تشکیلاتی است که می‌تواند این نقش را برعهده گیرد. در متن اجتماع، نقش کتابخانه عمومی نه انفعالی، بلکه فعال است. کتابخانه عمومی موجد نیازهای اجتماعی و علائق تازه در خواننده است و در نتیجه نقش آغازگری اندیشه‌های آفریننده - و نه فراهم‌آوری انفعالی مواد - را برعهده می‌گیرد. از آن جا که کتابخانه عمومی در خدمت افراد جامعه در سطوح مختلف سنی و سواد، بی‌توجه به سن، جنس، اعتقادات و جز اینهاست، نقشهای دیگری چون تدارک خدمات ویژه کودکان و نوجوانان، پُرریار ساختن برنامه‌های آموزشی رسمی و انجام خدماتی برای معلولان و محرومان اجتماع را برعهده می‌گیرد و وسیله‌ای در خدمت تعلیم و تربیت شهروند امروزی می‌شود.

از دیدگاهی دیگر می‌توان گفت نقش کتابخانه عمومی تهیه و تدارک امکانات و فراهم کردن زمینه جامعه عمل پوشاندن به هدفهای این گونه کتابخانه است. طبق بیانیه یونسکو درباره کتابخانه عمومی - نشر یافته به سال ۱۹۷۲ - نقشهای کتابخانه عمومی عبارت است از:

۱. مدد به آموزش جهانی و مادام‌العمر؛
۲. تسهیل ارج گذاری و قدر و قیمت نهادن بر دستاوردهای بشری در زمینه دانش و فرهنگ؛
۳. سهولت بخشیدن به روشهای در دسترس همگان قرار



- گرفتن پیشینه اندیشه‌ها، عقاید و تجلیات فکری و اخلاق بشری؛
 ۴. روح تازه دمیدن به بشر با فراهم‌آوری کتابها و دیگر رسانه‌ها، به منظور بخشیدن آرامش و لذت؛
 ۵. یاری رساندن به دانش‌آموزان و دانشجویان؛
 ۶. فراهم آوردن اطلاعات فنی، علمی و جامعه‌شناختی باب روز و تازه.

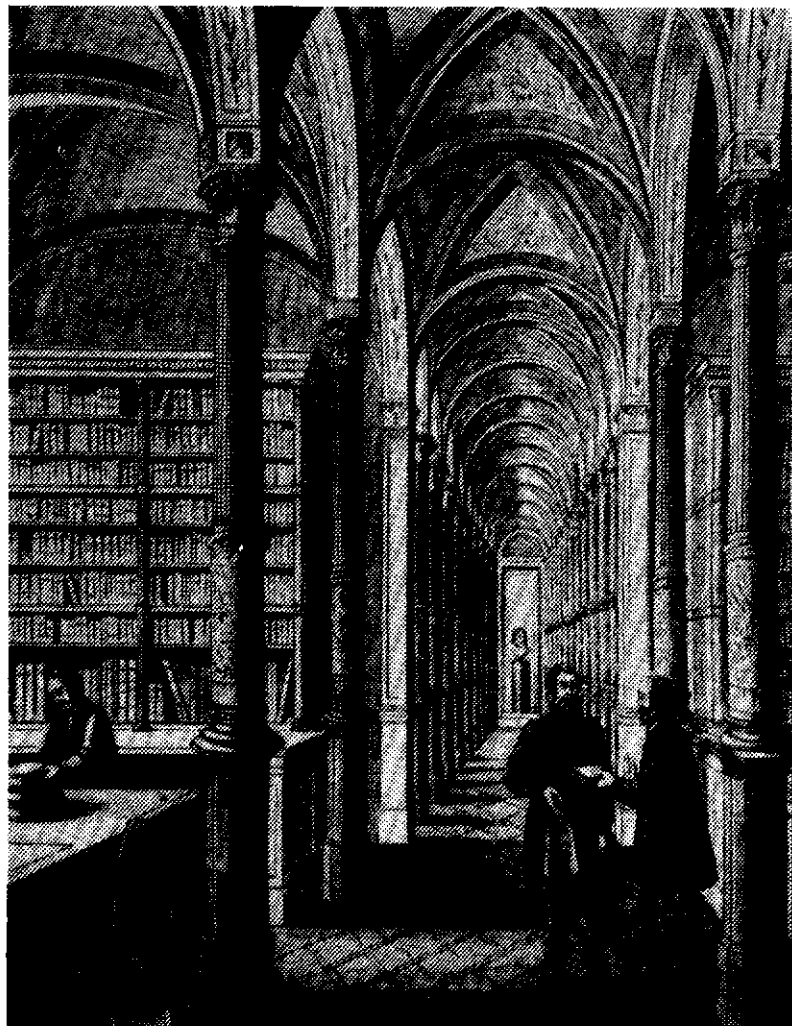
کوتاه‌سخن آن که نقش کتابخانه عمومی فراهم‌آوری، سازماندهی و اشاعه انواع پیشینه‌های ترسیمی و برعهده گرفتن کار میانجیگری بین دنیای اطلاعات و جامعه‌ای خاص برای انجام وظایف خدماتی عمده سرگرمی، آموزش و اطلاع‌رسانی در راستای سرشار ساختن زندگی افراد مختلف اجتماع و حرمت‌داری اندیشه‌های مردم سالارانه و برانگیختن افکار آفریننده و تربیت و حفظ شهروندانی آگاه و مسؤول است.

— توسعه فرهنگی را چه تعریف می‌کنید؟ —

— در تعریف این مفهوم یا اصطلاح، نخست باید مؤلفه‌ها یا اجزای سازنده آن را بیان و روشن کرد و در نهایت به تعریف کل آن همت گمارد. با آن که برای «فرهنگ» تعاریف گوناگون شده است، اما به اجمال صاحب‌نظران آن را مجموع فرآورده‌های اندیشگی، هنری، آداب و رسوم، اخلاق، عقاید، قواعد و عرفیات یک مجموعه انسانی می‌خوانند. این مجموعه با آن که التقاطی است، ناهم‌تنگ نیست، بلکه واحدی تألیفی به شمار است و اجزایش باهم سازگاری و تناسب دارد. در دوران معاصر فرهنگ را بیشتر از دو نظر باستان‌شناسی و جامعه‌شناسی تعریف می‌کنند. فرهنگ در کاربرد کلی باستان‌شناختی اشاره به آن جنبه از رفتار اجتماعی دارد که اغلب آن را «فرهنگ مادی» می‌نامند. اما فرهنگ از نظر جامعه‌شناسی «میراث اجتماعی» هر جامعه است و کلیه دستاوردهای مادی (نظیر ابزارها، آثار هنری و جز اینها) و کلیه ساخته‌های ذهنی و جمعی (مانند دستگاه نمادها، مفاهیم، باورها، ارزشها و جز اینها) و نیز صورتهای متمایز رفتار (مثل آیین‌ها، مناسک و مانند اینها) را در بر می‌گیرد که مردم — آگاهانه یا ناآگاهانه — در روند فعالیت‌های جاری و با توجه به شرایط زندگی ویژه خویش پدید آورده‌اند.

از این رو، فرهنگ را می‌توان مظهر همه ارزشها و ابزارهایی دانست که به یاری آن انسانها به گونه‌ای فردی یا جمعی می‌کوشند تا جبر زندگی و محیط را با خواسته‌های آزادی‌خواهانه و خرد انسانی سازگار کنند و از آن راه شیوه زندگی خود را با جهان زیباتر و پویاتر سازند.

پیشرفت، کند و کاو در زمینه امکانات مطلوب و دستیابی به وضعی بهینه است. این گونه ترقی دلخواه از طریق از سر راه برداشتن نهادها و تشکیلات مانع و راه و رسمهای دست و پاگیر لازم آنهاست. توسعه و پیشرفت از راه بازیافت، استخراج و شکفته ساختن عوامل مؤثر و مفید و گسترش درازا و پهنای گلیم هر



پدیده‌ای حاصل می‌شود. پس توسعه یا پیشرفت فرهنگی فراهم کردن امکان آفرینشهای گوناگون بر مبنای مشارکت جمعی به یاری توسعه اقتصادی، رشد خلاقیت‌های هنر، برنامه‌ریزی و پیش‌بینی و تدارک ابزارها و منابع ضروری جهت به دست آوردن شخصیت، اصالت و فضیلت‌های لازم به منزله مصالح آفرینش اندیشه‌های تازه است. پیشرفت فرهنگی باید بر رده هرگونه تبعیض، میان افراد یا ملت‌ها، و به پذیرش ارزشهای انساندوستانه و جهانشمول مردم‌سالاری، عدالت و همبستگی — که بی آنها هیچ تفاهمی ممکن نیست — و بر ترغیب آزاد پژوهش، اختراع و ابداع — که شرط اصلی هرگونه زندگی فرهنگی است — بنیاد نهاده شود. درواقع، توسعه فرهنگی مستلزم تنوعی است که یگانگی آورد، خلاقیتی که پیوند دهد و اتحادی که رهایی بخشد.

— آیا کتابخانه عمومی نقشی در توسعه فرهنگی دارد؟ اگر دارد آن نقش چیست و چگونه متجلی می‌شود؟

— کتابخانه عمومی در بافت و محیط فرهنگی اجتماع زاده می‌شود، می‌بالد و کمال می‌یابد. آنچه از حافظة فرهنگی — اجتماعی و اطلاعات و اخبار رویدادها برمی‌آید به شیوه‌های گونه‌گون به پیام‌های فرهنگی بدل می‌شود. کتابخانه عمومی در حکم حلقه اتصال است که حاصل اندیشه‌های نسل‌های گذشته را با افراد جامعه امروز به هم می‌پیوندد و عامل تحرک و پیشبرد توسعه فرهنگی می‌گردد. در چرخه فرهنگ اجزایی به شرح زیر

• کتابخانه عمومی در بافت و محیط فرهنگی اجتماع زاده می‌شود، می‌بالد و کمال می‌یابد.

وجود دارد: الف) رسانه‌های گروهی، ب) پیام‌های رسانه‌ها که مورد استفاده نخبان قرار می‌گیرد تا با این مصالح اندیشه‌های نو بیافرینند و ج) مراکزی برای گردآوری و اشاعه ابزارهای حاوی اندیشه‌های آفریننده. کتابخانه عمومی نقش حافظ و مؤزج اندیشه‌های ناب و ماندگار انسان‌ها، حاصل پژوهش‌های ابتکاری دورانها و عصارة ذهن‌آوردهای پالوده بشری را بازی می‌کند. اگر وظیفه و مسؤولیت اساسی فرهنگ استخراج و شکفته کردن و شناخت استعداد‌های انسان‌ها و پرورش آنهاست، پس نظام اجتماعی و سیاسی و اداری جامعه نه تنها باید این استعدادها را پس از آموزش و پرورش به کار گمارد و آنها را در خدمت کمال و رشد و توسعه جامعه قرار دهد، بلکه باید قبل از آن وسایل و زمینه‌های لازم را برای این نظام آموزش و پرورش و توانایی شکفته کردن استعدادها و تربیت آنها فراهم سازد. در کشور ما، انجام این مهم باید خورند اهداف و اصول سیاست فرهنگی آن باشد. خوشبختانه شورای عالی انقلاب فرهنگی اندک‌زمانی پیش این

اهداف و اصول سیاست فرهنگی را اعلان کرده است. آگاهی از این هدفها و اصلها راهگشاست، چه رهنمون فعالیت‌های هر سازمان فرهنگی، از جمله کتابخانه‌های عمومی، تواند بود و نقش آنها را در رسیدن به این مقاصد و پایبندی به این اصول نشان خواهد داد. اهداف فرهنگی — که کمینه، کتابخانه عمومی باید نقش کارآمد و کارسازی برای نیل بدانها برعهده گیرد — به شرح زیر است:

۱. رشد و تعالی فرهنگ اسلامی و انسانی و بسط پیام و فرهنگ اسلامی در جامعه و جهان؛
۲. استقلال فرهنگی و زوال مظاهر منحن و مبنایی نادرست فرهنگ‌های بیگانه و پیراسته شدن جامعه از آداب و رسوم منحرف و خرافات؛
۳. به کمال رسیدن قوای خلاقه و شایسته وجود آدمی در همه شئون و به فعلیت درآمدن استعداد‌های خداداده و استحصال دقتان عقول و ذخائر وجودی انسان؛
۴. آراسته شدن به فضایل اخلاقی و صفات خدایی در مسیر وصول به مقام انسان متعالی؛
۵. تحقق کامل انقلاب فرهنگی در جهت استقرار ارزشهای مورد نظر اسلام و انقلاب اسلامی در زندگی جمعی و فردی و نگاهبانی از آنها و استمرار حرکت فرهنگی برای رسیدن به جامعه مطلوب؛
۶. درک مقتضیات و تحولات زمان و نقد و تنقیح دستاوردهای فرهنگی جوامع بشری و استفاده از نتایج قابل انطباق با اصول و ارزشهای اسلامی.

نیل بدین هدفها بی عنایت به اصول سیاست فرهنگی، یعنی برنامه‌ریزی و پیش‌بینی و فراهم کردن امکانات پیشرفت فرهنگی که کتابخانه عمومی نقشی به سهم خود در این راستا دارد، ناممکن است؛ از این رو ناگزیر باید اصول سیاست فرهنگی کشور را نیز بدین شرح برشمرد:

۱. بازشناسی و ارزیابی موارث و سنن تاریخی و ملی در عرصه‌های مختلف دینی، علمی، ادبی، هنری و فرهنگ عمومی و نگاهبانی از مآثر و موارث اسلامی و ملی و حفظ و احیاء دستاوردهای مثبت و ارزشمند تمدن اسلام و ایران؛
۲. شناخت جامع فرهنگ و مدنیت اسلام و ایران و ترویج اخلاق و معارف اسلامی و معرفی شخصیتها و عظمت‌های تاریخ اسلام و ایران؛
۳. ارتباط فعال با کشورها و ملت‌ها و تحکیم پیوند مودت و تقویت همبستگی با مسلمانان و ملل دیگر جهان؛
۴. شناخت فرهنگ و تجربه‌های بشری و استفاده از دستاوردهای علمی، فرهنگی، جهانی با بهره‌گیری از کلیه روشها و ابزارهای مفید و مناسب؛
۵. تحکیم وحدت ملی و دینی با توجه به ویژگیها و ممتازات



اضطرابهای درونی خود به خستگی جسمی می‌خواند تا فعالیت‌های فکری او به مسیرهای آرامبخش تری منحرف شود.

مراجعه‌کنندگان به کتابخانه عمومی با انگیزه‌ها و دلایل برشمرده جهت کسب آگاهی و اطلاع‌رسانی چنین مکانی می‌شوند تا از انواع مواد - این ابزارواره‌های اجتماعی ویژه حفظ حافظه قومی - و درنمایه‌های آنها برای انتقال و ثبت و ضبط معلومات انباشته بهره‌جویند و در راه سعادت فردی و اجتماعی سیر و سلوک کرده، ره‌پویند. در این روز و روزگار همگان خواهان زندگی پربارتر، پیشرفت راستین و رفاه واقعیند. رشد اقتصادی نیز که عاملی مؤثر در این گونه ترقی به شمارست، مستلزم تغییر ارزشها و روشهای واپس مانده و سترون سنتی و نیز کسب اطلاعات مفیدتر و جذب آرای تازه می‌باشد. چنین نیازمندیهایی باید برای مردم پذیرفتنی - و نه صرفاً تحمیلی - باشد. آیا وسیله و مکانی بهتر از کتابخانه عمومی می‌توان برای برآوردن این منظورها سراغ گرفت؟ کتابخانه عمومی به حکم سرشت خود باید عامل تغییر باشد. اطلاعات و عقاید تازه را گردآوری می‌کند، آنها را سر و سامان و نظم می‌دهد، به اشاعه آنها می‌پردازد و دانش مکتوب را در اختیار می‌گذارد، لیکن هرگز آنها را املا و تحمیل نمی‌کند. از این روست که واکنش منفی کمتری علیه باورها و آرای تازه و نوباوه به بار می‌آورد. کتابخانه عمومی توان و امکان رد یا پذیرش آنچه را برمی‌گزیند برای انواع مراجعان فراهم می‌سازد و با در اختیار داشتن دانش و داده‌های متراکم توسعه و پیشرفت فرهنگی را امکان‌پذیر می‌کند؛ کتابخانه عمومی باید میل به سرشاری زندگی را تقویت کند و با رشد منابع خود امکان پاسخگویی بیشتر و بهتر به نیازهای افراد جامعه را فراهم آورد و به پیشرفت و پرورش اندیشه‌های سازنده یاری رساند. لذا، با توجه به آنچه آمد، کتابخانه عمومی باید با عنایت به بودجه و شرایط و امکانات خود به تهیه، توزیع و حفظ موادی پردازد که مستلزم پیشرفت و توسعه فرهنگی است. چنین ضروریاتی را بدین شرح می‌توان برشمرد:

۱. تأکید بر هویت‌های فرهنگی و غنا بخشیدن به آنها و تشویق همه افراد و تمامی صاحبان استعدادها و ابتکارها؛
 ۲. گسترش مبانی مشارکت در زندگی فرهنگی، بسیج نیروهای مختلف در راه آزادی بیان و اندیشه، و پشتیبانی از خلاقیت‌های فردی و اجتماعی اراده آزاد و استقلال فکری؛
 ۳. ارتقاء سطح همکاری فرهنگی بین‌المللی، جستن، افزودن و تقویت تدبیرهایی که به لحاظ آنها فرهنگی از فرهنگهای دیگر تغذیه کند و به نوبه خود به آنها خوراک رساند و در عین حال هسته حقیقت‌های پذیرفته شده جهانشمول را حرمت گذارد.
- براستی، در راه ایجاد پل و پیوند میان کتابخانه عمومی و توسعه فرهنگی باید تمهیدهایی به عمل آورد تا این سخن ارزشمند گاندی مصداق یابد: «من دلم می‌خواهد که از پنجره خانه من تمام فرهنگها مانند نسیم به داخل خانه بوزد، ولی اگر من از این

قومی و مذهبی و تلاش در جهت حذف موانع وحدت؛

۶. تلاش مستمر در جهت رشد علمی و فرهنگی و فتنی جامعه و فراگیر شدن امر سواد و تعلیم و تربیت؛
۷. اهتمام به امر زبان و ادبیات فارسی و تقویت و ترویج و گسترش آن؛
۸. بسط زمینه‌های لازم برای شکوفایی استعدادها و خلاقیتها و حمایت از ابتکارات و ابداعات؛
۹. پاسداری از حریت و امنیت انسان در عرصه‌های گوناگون فرهنگی، سیاسی، قضایی و اقتصادی؛
۱۰. فراهم ساختن شرایط و امکانات کافی برای مطالعه و تحقیق و بهره‌گیری از نتایج آن در همه زمینه‌ها؛
۱۱. تقویت فکر و تعقل و قدرت نقادی و انتخاب در عرصه تلاقی و تضارب افکار؛
۱۲. مقابله با خرافات و موهومات، جمود و تحجر فکری، و ظاهرگرایی، فرهنگ التقاط و خودباختگی در برابر بیگانگان.

— برای ایجاد پیوند مؤثر میان کتابخانه عمومی و توسعه فرهنگی چه پیشنهادی دارید؟

— رنه ماهو، دبیر کل اسبق یونسکو، گفته است: «توسعه زمانی تحقق می‌یابد که علم به فرهنگ تبدیل شود». برای دستیابی به چنین تغییر و تبدیلی، یکی از راهها مطالعه به منظور کسب اطلاع است تا دانستنیها و معارف بشری سرمایه‌جاندار خلاقیتها شود و نظام ارزشها، شئنها و پسندهای معرف یک قوم و نبوغ آنان شکل گیرد. نقش کتابخانه عمومی باید فراهم ساختن امکان برپایی مکانی جهت برانگیختن انواع مطالعه به منظور کسب اطلاع باشد. انگیزه‌های مطالعه برای کسب معرفت و رسیدن به شناخت مختلف و به شرح زیر است. ساده‌ترین و نخستین انگیزه مطالعه

● کتابخانه عمومی باید با عنایت به بودجه و شرایط و امکانات خود به تهیه، توزیع و حفظ موادی پردازد که مستلزم پیشرفت و توسعه فرهنگی است.

کسب اطلاعات است. خواننده سخت در تلاش است تا اجزای معینی از معرفت قوام یافته و مستقر را به ذهن خویش منتقل کند و کسب چنین اطلاعاتی را برای برآوردن آرزوها و نیازهای فعلی و آتی خود پیش‌نیاز می‌شمرد. دومین انگیزه مطالعه را می‌توان کسب لذت از درک و دریافت زیباییها شمرد. سومین انگیزه مطالعه کسب لذت صرف، بی واسطه و مستقیم است تا فرد از قید و بند واقعیت‌های زجرآور و موقعیت‌های دشوار و آزاردهنده رها شود. خواننده برای دور کردن واکنشهای عاطفی نامطلوب و تبدیل

نسیم، نسیمی که بوی گل‌های مختلفی که از فرهنگ‌های مختلف به کشور من و خانه من می‌آورد، لذت ببرم و آن نسیم به طوفانی بدل شود که بخواهد مرا جاکن کند، تمام پنجره‌ها را خواهم بست».

استادار تهران
مهندس حسین طاهری

— به نظر شما کتابخانه‌های عمومی چه رسالتی برعهده دارد؟

— رسالت کتابخانه‌های عمومی در ایجاد تسهیلات کافی برای دستیابی به اطلاعات مورد نظر مردم در سطوح مختلف است. بدیهی است هر کتابخانه‌ای بنابر جایگاه خود و ارتباطی که با یکی از گروه‌های اجتماعی دارد ساختار ویژه‌ای پیدا خواهد کرد که بر اساس آن کارکرد ویژه خود را اعمال می‌کند. در هر حال رسالت مشترک تمامی کتابخانه‌ها آن است که بهترین تسهیلات را از نظر دستیابی به جدیدترین کتابها و اطلاعات، سرعت و سهولت دستیابی و امکانات مناسب مطالعه کتاب در محل کتابخانه فراهم آورند که در ذیل به تشریح هر یک از این موارد خواهیم پرداخت.

الف. دستیابی به جدیدترین کتابها و اطلاعات

بدین معنی که هر کتاب بنا بر مخاطب هر کتابخانه بلافاصله پس از چاپ به تعداد کافی در اختیار کتابخانه‌ها قرار گیرد تا ضرورت (خریدن کتاب) توسط متقاضیان کتاب مرتفع گردد. در وضعیت فعلی فرد مجبور است برای مطالعه کتاب تازه منتشر شده و یا حتی کتابی که سالها از انتشار آن می‌گذرد کتاب را بخرد (به همین دلیل است که میزان خرید کتاب توسط مطالعه کنندگان کتاب در ایران یکی از بالاترین نسبتها در مقایسه با کشورهای دیگر است).

این مهم باعث به هدر رفتن سرمایه‌های کشور در زمینه انتشارات و کاغذ می‌شود، در حالیکه اگر کتابخانه‌ها سریعاً به کتابهای جدید تجهیز شوند، چنین تمایل سرسام‌آوری به خرید و زندانی کردن کتاب در خانه‌ها و در نتیجه ضایع کردن سرمایه‌های ملی صورت نمی‌پذیرد.

ب. سرعت دستیابی به کتابها و اطلاعات

کمی کتابخانه‌ها در سطح شهرها و تهران از یک طرف و سیستم قدیمی بسیاری از کتابخانه‌ها و نیز کمی امکانات در آنها (مخصوصاً در کتابخانه‌های بزرگ) از طرف دیگر باعث شده است تا فرد برای استفاده از کتاب مسافت بسیاری را پیموده و وقت بسیاری را تلف کند و عملاً به کتاب مورد نظر خود دست نیابد (به دلیل امانت گرفتن کتاب توسط دیگری). به عنوان مثال فردی برای امانت گرفتن کتابی از کتابخانه دانشگاه تهران که یکی از مجهزترین کتابخانه‌های ایران نیز هست مجبور است گاه

مدت زیادی در نوبت دریافت کتاب منتظر بماند.

ج. سهولت دستیابی به کتاب و اطلاعات

مشکلاتی که تقریباً تمامی کتابخانه‌ها برای عضوگیری و یا امانت دادن کتاب ایجاد کرده‌اند باعث شده است تا عملاً کتابخانه‌ها به زندان کتاب تبدیل گردد. بدیهی است در کشوری که کتابخانه‌های عمومی تازه گسترش یافته و هنوز وجود این کتابخانه‌ها نهادی نشده است، از بین رفتن بعضی کتابها و برنگرداندن آنها به کتابخانه تا سالهای چند طبیعی است. بنابراین به جای سخت‌گیریهایی بی‌حد در عضوگیری و امانت دهی باید بخشی از ائتلاف منابع را برای نهادی شدن قوانین کتابخانه‌ها در جامعه پذیرفت.

د. امکانات مناسب مطالعه کتاب در محل کتابخانه

بسیاری از کتابخانه‌ها از امکانات و فضای مناسبی جهت مطالعه کتاب برخوردار نیستند. این مشکل هنگامی تشدید می‌شود که بسیاری از افراد از سالن کتابخانه‌ها تنها به جهت قرائت کتابها یا جزوه‌های درسی خود استفاده می‌کنند. بدین ترتیب ضرورت ایجاد قرائتخانه با امکانات استاندارد برای کتابخانه‌ها بسیار ضروری است.

— توسعه فرهنگی را چه تعریف می‌کنید؟

— منظور از توسعه فرهنگی نوعی دگرگونی است که از طریق تراکم عناصر فرهنگی در یک جامعه صورت می‌گیرد و بر اثر آن

● مشکلاتی که تقریباً تمامی کتابخانه‌ها برای عضوگیری و یا امانت دادن کتاب ایجاد کرده‌اند باعث شده است تا عملاً کتابخانه‌ها به زندان کتاب تبدیل گردد.

● کتابخانه‌های عمومی باید مواد خام و اطلاعات لازم را برای توسعه فرهنگی مؤثر در اختیار مردم بگذارند.

جامعه همواره کنترل مؤثرتری بر محیط طبیعی و اجتماعی اعمال می‌کند. در این تراکم معارف، فنون و تکنولوژی به عناصری که از پیش وجود داشته و منشاء آنها بوده است افزوده می‌شود.

— آیا کتابخانه عمومی نقشی در توسعه فرهنگی دارد؟ اگر پاسخ مثبت است آن تأثیر چگونه متجلی می‌شود؟

— نقش کتابخانه‌ها در توسعه فرهنگی آن است که اطلاعات لازم برای توسعه فرهنگی را فراهم آورده و در اختیار جامعه قرار دهد تا عناصر اجتماعی با کاربست مؤثر آن کنترل خود بر محیط طبیعی و اجتماعی را فراهم آورند.